«من زنده‌ام» را در عراق توزیع کنید

■ **مهدی خانعلی‌زاده**

تجربه راهپیمایی اربعین امسال بهترین موقعیت برای شناخت جامعه عراقی به ویژه جوانان این کشور بود؛ جوانانی که بهترین تعامل را با ایرانیان داشتند و ضمن پذیرایی ویژه از زائرین ایرانی، ارتباط خوبی نیز با جوانان برقرار کردند و مسائل مهم جهان اسلام و درگیری‌های اخیر منطقه را با هم به اشتراک گذاشتند.

در این زمینه، یکی از مسائل بسیار مهمی که حائز اولویت بسیار بالایی است و باید در اسرع وقت نسبت به مدیریت آن اقدام شود، سابقه تاریخی دو کشور ایران و عراق به ویژه مسئله هشت سال جنگ تحمیلی از سوی حزب حاکم وقت این کشور به ایران است. حزب بعث در زمان حکومت دیکتاتوری صدام، تمامی شئون و ارکان حکومتی و اعتقادی این کشور را در دست خود گرفته بود و همین مسئله سبب شد تا فضای افکار عمومی در عراق به سمت ضدیت با جمهوری اسلامی ایران و انقلاب اسلامی پیش برود. با این حال، نوع نگاهی که این روزها و بعد از فروپاشی حکومت دیکتاتوری صدام و روی کار آمدن نظام مردم‌سالار در عراق و همچنین گسترش یافتن ارتباطات دوطرفه میان مردم دو کشور از سوی عراقی‌ها نسبت به ایران وجود دارد، بسیار متفاوت‌تر از روزهای سابق است و مردم این کشور به طور جدی خواهان و خواستار گسترش ارتباطات هستند؛ ارتباطاتی که بر اساس ریشه‌های مشترک تاریخی و فرهنگی و به طور خاص، دین مبین اسلام شکل گرفته‌اند و می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری یک بلوک قدرتمند منطقه‌ای توسط دو کشور در سال‌های آتی شود. اگرچه این مسئله وجه بسیار مثبتی دارد و می‌تواند یکی از دستاوردهای فرهنگی انقلاب اسلامی ایران باشد اما این مسئله را هم باید در نظر داشت که عدم تحلیل و بررسی روابط دو کشور در زمان جنگ تحمیلی هشت ساله می‌تواند یکی از نقاط تاریک در این زمینه باشد و اگر این موضوع به طور جدی از سوی اندیشمندان دو طرف مورد بررسی قرار نگیرد، قطعاً در آینده نزدیک با سوءاستفاده دشمنان اسلام در منطقه روبه‌رو خواهد شد.

تأکید بر این مسئله که جنایات وحشتناکی از سوی حزب بعث بر ملت ایران تحمیل شده و تبیین دقیق و مدیریت شده انتشار مطالبی در این زمینه، علاوه بر اینکه می‌تواند زمینه را برای ایجاد فضای دوستانه‌تر در میان افکار عمومی عراق به ویژه نسل جدید این کشور فراهم کند، قطعاً راه را برای سوءاستفاده‌های احتمالی آینده خواهد بست و دیگر دشمنان نمی‌توانند از این طریق و با معکوس جلوه دادن آنچه در هشت سال جنگ تحمیلی گذشت، برخی افراد ناآگاه را برای اقدام علیه منافع ملی ایران تحریک کنند. ترجمه کتاب‌هایی از جنس «من زنده‌ام» که روایتگر جنایات بعثی‌ها علیه اسرای کشورمان و اقدامات وحشیانه آنان در جریان جنگ هشت ساله است، می‌تواند تأثیرات فراوانی بر کنترل این فضا و جلوگیری از ایجاد تحرکات ضدایرانی احتمالی در این کشور باشد. بلاتشبیه، رژیم‌صهیونیستی سال‌هاست که مشغول دوشیدن ملت آلمان به بهانه یک دروغ بزرگ تاریخی است و بخش اعظمی از بودجه عمومی این کشور را به بهانه غرامت «هولوکاست» دریافت می‌کند. حالا که نه ایران به دنبال جعل تاریخ است و نه چشم طمعی نسبت به کشور دوست و برادر عراق وجود دارد؛ پس چرا از حداقل ظرفیت‌های موجود در روابط میان دو کشور که می‌تواند ضمن بازسازی چهره تاریخی دوگانه «ایران – عراق»، این توهم را که مردم دو کشور با یکدیگر در حال جنگ هستند و کینه یکدیگر را در دل می‌پرورانند، برطرف کند و حباب آن را بترکاند، استفاده نکنیم؟

«من زنده‌ام» باید به زبان عربی ترجمه و در عراق توزیع شود تا هم جوانان و نسل جدید عراق متوجه جنایات تاریخی حکومت صدام بر این کشور شوند (که خود زمینه‌ساز ایجاد یک فضای مثبت به نفع مردم این کشور و جلوگیری از احتمال بازگشت چنین حکومتی به عراق است) و هم اجازه بازنویسی تاریخ توسط کسانی که مایل به ایجاد همراهی و همدلی میان دو ملت نیستند و صرفاً می‌خواهند تا بذر دشمنی و عداوت را در قلب مردم بکارند، داده نشود. تاریخ ایران و عراق را باید واقعیت‌های جنگ هشت ساله بازگویی کنند؛ نه خیالبافی‌ها و توطئه‌پردازی‌های سازمان سیا در واشنگتن.

اکران زودتر از موعد «خانه پدری» برای قراردادن منتقدان در عمل انجام شده

پیش از این مدیران سینمایی ارشاد و مدیر گروه هنر و تجربه اعلام کرده بودند که اکران فیلم «خانه‌پدری» از هشتم دی ماه آغاز خواهد شد اما ظاهراً اعتراض گروه‌های مختلف به محتوای فیلم و انتقاد از اکران آن باعث شده است تا مدیر گروه هنر و تجربه به این فکر بیفتد که برای جلوگیری از احتمال عدم اکران فیلم، «خانه پدری» را برخلاف قانون و زودتر از موعد به نمایش درآورد تا شاید مخالفان با قرار گرفتن در عمل انجام شده به انتقادات خود از فیلم پایان دهند و احتمال تصمیم به عدم اکران فیلم توسط مدیران سینمایی دولت نیز مرتفع شود.

به گزارش «هفت‌راه»، در همین زمینه روز گذشته صفحه رسمی فیلم «خانه پدری» در فیسبوک در مطلبی با عنوان «آغاز اکران خانه پدری زودتر از موعد از پس فردا ۴ دی» نوشت: «به دلیل حملات گسترده از جناح‌های مختلف و خطر پایین آمدن یا جلوگیری از اکران فیلم مثل فیلم عصبانی نیستم؛ امیر حسین علم الهدی به این فکر آمد که در یک عملیات از پیش تعیین نشده اکران خانه پدری را در حال حاضر از ۴ دی پنج‌شنبه شروع کند.» بر همین اساس حتی مقدمات فروش اینترنتی بلیت فیلم «خانه پدری» در پردیس سینمایی کوروش برای تاریخ ۴ آبان فراهم شده است و سایت فروش بلیت «سینماتیکت» نیز برخلاف تاریخ رسمی اعلام شده توسط مدیران با اعلام تاریخ ۴ آبان برای آغاز اکران فیلم شروع به فروش بلیت برای «خانه پدری» کرده است. با این اوصاف به نظر می‌رسد مدیر گروه هنر و تجربه که زمانی خود در حوزه هنری حامی عدم اکران فیلم‌های مسئله‌دار بود تصمیم دارد حتی با توسل به زیرپا گذاشتن قانون و تاریخ رسمی اعلام شده هرطور شده دست به اکران فیلم مسئله‌دار «خانه پدری» بزند.

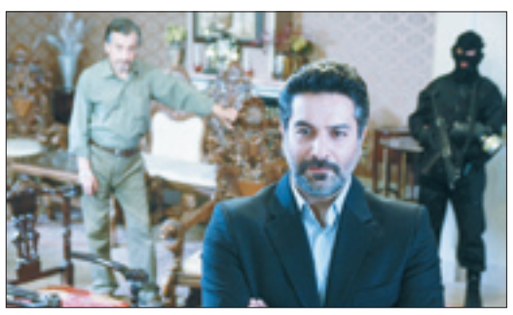

پخش «قلاده‌های طلا» در آستانه ۹ دی از آی فیلم

فیلم سینمایی «قلاده‌های طلا» به کارگردانی «ابوالقاسم طالبی» از شبکه آی فیلم پخش می‌شود.

فیلم سینمایی «قلاده‌های طلا» پنج‌شنبه- چهارم دی ماه - ساعت ۲۲:۳۰ به روی آنتن آی فیلم می‌رود و تکرار آن در دو نوبت روز جمعه پنجم دی ماه ساعت ۶:۳۰ بامداد و ۱۳:۳۰ پخش می‌شود. بنا بر این گزارش، این فیلم سینمایی به کارگردانی «ابوالقاسم طالبی» ساخته شده و به موضوع حوادث پس از انتخابات سال ۸۸ می‌پردازد. شبکه آی فیلم بنا به درخواست مخاطبان خارجی پخش این فیلم سینمایی را در دستور کار خود قرار داده است. بازیگرانی نظیر امین حیایی، محمدرضا شریفی‌نیا، حمیدرضا پگاه، علی رام نورایی و... در این فیلم سینمایی ایفای نقش کرده‌اند.

بررسی وضعیت کمیک استریپ در گفت‌وگو با دکتر گلپایگانی

صنعت انیمیشن و کمیک استریپ را هنوز جدی نگرفته‌ایم

■ **معصومه طاهری**

تاریخچه کمیک استریپ به سال‌های بسیار دور برمی‌گردد، از زمانی که انسان برای تفهیم مفاهیم از کشیدن تصویر روی دیوار غارها مدد می‌گرفت اما عملاً با اختراع صنعت چاپ در دهه ۵۰ و پس از جنگ جهانی دوم کمیک استریپ هم ایجاد شد و با استقبال خوبی هم از سوی مخاطبان مواجه گردید، به صورتی که همواره مجلات مصور از پرمخاطب‌ترین نشریات بوده است. بر همین اساس با دکتر سیدعلیرضا گلپایگانی استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه هنر تهران که تاکنون آثار شاخصی در عرصه انیمیشن و کمیک استریپ تهیه‌کنندگی یا کارگردانی کرده است گفت‌وگو داشتیم.

چرا عمدتاً از کمیک استریپ در عرصه‌های مختلف به‌خصوص فرهنگی بهره می‌برند و موج‌سازی می‌کنند؟

یکی از عوامل پدیده سرگرمی‌سازی است اما به نظر می‌رسد آنچه باعث رونق این هنر شد، نیاز اجتماعی بود که حاصل آن قهرمانانی چون سوپرمن، اسپایدرمن و... شد. بعد از جنگ جهانی دوم دوران رکود اقتصادی و اجتماعی در امریکا و ناامیدی در سطح جامعه، زمینه‌ساز خلق قهرمانان افسانه‌ای شد که تا اندازه‌ای بتواند تسکین‌دهنده باشند چون همسو با نیازهای جامعه بودند امروز کمتر امریکایی را می‌بینیم که متأثر از این کمیک استریپ‌ها نباشد. میازاکی کارگردان معروف ژاپنی می‌گفت هیچ انیمیشنی را نمی‌سازیم مگر اینکه قبل از آن مانگای آن ساخته شده باشد.

فرق مانگا و کمیک استریپ چیست؟

در فضا و مدل ارائه داستان و گرافیک کار. روایت داستان و شکل ارائه آنها با هم فرق می‌کند. بعضاً مجلات مانگا (کمیک استریپ ژاپنی) کلام ندارد گاهی به ۳۰۰صفحه می‌رسد که هفتگی یا روزانه چاپ می‌شود. یکی از معضلات شهرداری توکیو جمع‌آوری این مجلات است، زیرا بعد از خواندن دور می‌ریزند و کاغذ زیادی صرف مجلات می‌شود، کاغذهای بسیار نازک و سیاه و سفید؛ اما غربی‌ها کمیک استریپ رنگی با حجم کمتری دارند. «بشیرودمبا» یکی از پرتیراژترین روزنامه‌های دنیا در ژاپن است که جشنواره کاریکاتور هم برگزار می‌کند، صفحه آخر خود را به داستان مصور اختصاص داده، طبق آمار مردم ژاپن این روزنامه را بیشتر می‌خرند و اول هم صفحه آخر را می‌خوانند.

ما هم تقریباً تجربه این موضوع را داشتیم مانند کیهان بچه‌ها، درست است؟

بله، دوران نوجوانی‌ام را با آن گذراندم پر از کمیک استریپ بود که همه امریکایی و ترجمه شده بودند به‌قدری داستان‌ها را دوست داشتم که بریده‌های آن را جداگانه منگنه می‌کردم و به صورت کتاب مصور درمی‌آوردم. در آن داستان‌ها آینده‌نگری خوبی نهفته بود اغلب تخیلی بودند. تخیلات در رشد و شکوفایی ذهن تأثیر دارند. کمیک استریپ تأثیر زیادی در رشد فکری بچه دارد زیرا باعث پرورش قوه تخیل آنها می‌شود هرچند در امریکا و ژاپن این نشریات با محوریت فرهنگ‌سازی و شخصیت‌سازی هستند اما موفق بوده‌اند. متأسفانه دیگر آن داستان‌های مصور در کیهان بچه‌ها نیست.

سرنوشت کیهان بچه‌ها چه شد؟

یک نسل تنها ترجمه می‌کرد، بعد از انقلاب سیاست آن تغییر کرد، در حالی که هر روندی نیاز به عقبه دارد بعضی فرم‌ها جذابیت ندارند. کیهان بچه‌ها می‌توانست جایگاهش را حفظ کند اما عدم شناخت کارشناسان این دوره باعث شد تا کیهان بچه‌ها از پیشرفت باز بماند.

در بحث انیمیشن و کمیک استریپ ژاپن پیشرفت خوبی داشته است دلیلش چیست؟

البته در ایران آثار ژاپنی رایج‌تر بوده آن هم به دلیل روابط فرهنگی دو کشور بعد از انقلاب است، درحالی که قبل از انقلاب تمام آثار امریکایی بودند.

چرا شخصیت‌های ژاپنی در انیمیشن‌ها و کمیک استریپ‌ها با واقعیت فرق دارند همه با چشمانی درشت و هیکل‌هایی متفاوت هستند؟

این قدمت ۴۰ تا ۵۰ ساله دارد که مربوط به استاد تزوکا است که در طراحی خود این قیافه‌ها و گرافیک را ترسیم کرد، کم‌کم این شیوه بین هنرمندان ژاپنی مقبول افتاد و رایج شد وگرنه تا قبل از آن آثار ژاپنی مینیاتوری بودند.

صنعت انیمیشن ژاپن توسعه خوبی داشته و درجهان هم شناخته شده است، آیا مانگا هم همین وضعیت را دارد؟

بله، ژاپن درعرصه انیمیشن قدرت بالایی دارد، حتی برای ساخت انیمیشن «بچه‌های مدرسه آلپ» گروه طراح، عکاس و هنرمند به آنجا رفتند تا فضا را از نزدیک ببینند طرح و مدل لباس آنها و معماری آنجا را خوب بررسی کنند تا بتوانند در انیمشین نشان بدهند چون نگاهشان جهانی است و موفق هم بوده‌اند انیمیشن‌های خود را صادر کنند اما در مانگا توسعه جهانی ندارد، خیلی داخلی است ژاپنی‌ها آن را می‌پسندند و مجلات مصور خوراک آنهاست.

در ایران چطور؟

یک سری داستان‌هایی داریم که برای ایرانی‌ها قابل فهم است و برد داخلی دارند مانند داستان‌های شاهنامه، مولانا و... اما یک غیرایرانی سخت متوجه منظور داستان می‌شود. درست است کتاب مولانا بین خارجی‌ها رواج دارد اما آنها با شعر ارتباط برقرار می‌کنند زیرا صورت‌نگرند تا سیرت‌نگر، درحالی که فرهنگ ما سیرت‌نگر است و فرهنگ ژاپنی هم همین‌طور است. مانگا در داخل ژاپن رشد کرده و جهانی نیست، برای غیرژاپنی فهمش سخت است.

در ایران جسته و گریخته آثار کمیک استریپ داشتیم؛ چرا چندان تقویت نشد؟

اول اینکه خیلی گران است، بازگشت سرمایه دیر اتفاق می‌افتد و به نسبت کتاب پروسه طولانی دارد لذا به صرفه نیست. دوم آنکه عده‌ای معتقدند تخیل فرد را ضعیف می‌کند و سادگی هضم خوب نیست، علاوه بر این هر چند مقدمات لازم است اغلب انتظار داریم سریع اتفاق بیفتد و به نتیجه برسیم که منطقی نیست.

چرا عمدتاً این آثار ترجمه‌ای است؟

زیرا در این حوزه هم مانند سایر امور الگوگیری می‌کنیم؛ فرهنگ خارجی‌پسندی هم مربوط به چند سال اخیر نیست، سال‌های سال است تصور می‌کنیم محصول خارجی بهتر است و مردم چیزی که خارجی است را دوست دارند و با اقبال بهتری مواجه می‌شود اما نمی‌دانند کم‌کم قهرمان بچه‌های ما شخصیت امریکایی می‌شود. متأسفانه عده‌ای تنها به سود آنی فکر می‌کنند؛ در حالی که به تدریج آن جزو فرهنگ ما می‌شود. از طرفی ما صنعت انیمیشن و کمیک استریپ را هنوز جدی نگرفته‌ایم و زیرساختار خوبی هم نداریم، نتوانستیم در این عرصه رشد کنیم این هم به فرد یا ارگان خاصی مربوط نیست همه باید در رونق اقتصادی و فرهنگی وارد عمل شوند. ما کمیک استریپ‌کاران حرفه‌ای داریم که برای خارج کارشان را می‌فرستند. اخیراً کتابی دیدم که ناشرش قمی است تمام هنرمندان آن هم اهل قم هستند خیلی برایم جالب بود که یک‌سری طراح هنرمند دورهم جمع شده‌اند و اینقدر توانایی فوق‌العاده دارند. مجلات مصوری را به ۳۰ زبان خارجی ترجمه کرده بودند، اینها باعث تشویق افراد می‌شود حتی روحانی هنرمند هم بین آنها بود حضور روحانیت می‌تواند عمق موضوعی به کار بدهد.

> **تخیلات در رشد و شکوفایی ذهن تأثیر دارند. کمیک استریپ تأثیر زیادی در رشد فکری بچه دارد زیرا باعث پرورش قوه تخیل آنها می‌شود هر چند در امریکا و ژاپن این نشریات با محوریت فرهنگ‌سازی و شخصیت‌سازی هستند اما موفق بوده‌اند. متأسفانه دیگر آن داستان‌های مصور در کیهان بچه‌ها نیست**

به نظر شما کمیک استریپ چقدر در عرصه اقتصادی تأثیرگذار است؟

صنایع به هم مرتبط هستند و در کنار هم یک زنجیره تشکیل می‌دهند و باعث رونق یکدیگر می‌شوند وقتی روی دفاتر بچه‌ها تصاویری را می‌گذاریم چون زمینه‌ساز قبلی نداشته، نه تنها جذابیت ندارد بلکه با اقبال چندانی مواجه نمی‌شود. کلاه قرمزی یک عروسک ساده است که زیبایی ندارد و هزینه‌ای هم برای آن نشده چون پیش‌زمینه از آن هست محصولات جانبی‌اش با فروش خوبی مواجه می‌شود، کمیک استریپ هم همین‌طور است. در این حوزه به داستان و خالق فضا نیاز داریم ولی در ایران چنین فضایی نیست، همه را به عهده کارگردان می‌گذارند که در بسیاری از امور شناختی ندارد، در کمیک‌استریپ باید آزادی عمل داشت و با فکری باز کار کرد، تصویرسازی به تنهایی نمی‌تواند کمیک استریپ باشد.

چرا؟

تصاویر روایت را به سینما نزدیک می‌کند، در تصویرسازی نمی‌توان برای هر متن یک تصویر خلق کرد که الگوی متن باشد، خیلی کم مفهوم را می‌رساند در حالی که در کمیک‌استریپ به غیر از جذابیت بصری و فرم مناسب، باید از هر تصویر به مخاطب حس هم انتقال بشود، یعنی تصویر و متن مکمل هم باشند.

در فیلم‌های مثل سوپرمن، استوری‌بورد وجود دارد آیا در کمیک استریپ هم هست؟

گاهی کارگردان می‌خواهد وحشت بیشتری در اثرش باشد از استری‌بورد استفاده می‌کند و تجسم گرافیکی با عناصر می‌دهد. استری‌بورد کادرهای یک اندازه دارد ولی کمیک‌استریپ محدود به کادر نیست حتی از کادر هم بیرون می‌زند. در استری‌بورد کادر عمودی و مربع نیست چون برای سینما و تلویزیون است کادرهایش مستطیل هستند.

کمیک‌استریپ‌های سینمایی مثل شهر گناه یا فیلم ۳۰۰ هستند؟

بله فیلم ۳۰۰ جزو کمیک‌استریپ‌های پرفروش بود که بعد از روی آن فیلم ساختند با پیش‌زمینه‌ای که داشت فروش خوبی پیدا کرد. شهر گناه هم فضای خاص کمیک‌استریپ داشت فرم گرافیکی کارخیلی غلیظ بود.

به‌نظر شما سینمای ایران هم قدرت این را دارد تا به این نوع سینما ورود پیدا کند؟

باید به‌جای عکس‌العمل مرتکب عمل و ریسک کرد فرم بر اساس مضامین شکل می‌گیرد. گرافیست‌ها و هنرمندان خیلی خوبی داریم. تقلید کردن ریسک بزرگی است، ممکن است ناموفق شود ما دارای افراد خلاق هستیم که می‌توانند سبک‌های خوبی بیافرینند، مثلاً در ابتدا هیچ‌کس پذیرای اسپایدرمن نبود می‌گفتند مگر مردم احمق هستند تا بیایند شخصیتی مثل عنکبوت را ببینند و خوششان بیاید ولی کار کردند و به خوبی هم موفق شد. یا زمانی شرکت دیزنی ورشکست شد، پرسنل آن خانه‌نشین شدند آنها در حمام خانه‌هایشان جوجه نگهداری می‌کردند تا بتوانند زندگی کنند. باید استعدادها را پرورش داد، سختی وجود دارد برای غربی‌ها صنعت سرگرمی‌سازی درآمدزاست چون نگاه اقتصادی دارند.

اخیراً تکنیک موشن کمیک رایج شده آیا می‌تواند در رشد این صنعت کمک کند؟

بله، می‌توان از این طریق فیلمسازی را رونق بهتری داد زیرا کتاب این روزها تیراژ پایینی دارد ولی کار در فیلم بازتر است. در این عرصه هنرمندان خوبی داریم که باید شناسایی و حمایت بشوند تا به رشد سینما کمک بشود. تقویت کمیک‌استریپ به رشد سینما کمک می‌کند.

حرکت‌های حوزه هنری را چگونه برآورد می‌کنید؟

ورود حوزه تأثیرگذار است حتی اگر اشتباه باشد باعث تجربه است. داستان‌های اساطیری درباره رستم و سهراب باعث شده برخی از دوستان از خارج برگردند اینجا کار کنند. حوزه برای شکرستان، ۱۴۰ کتاب زیر نظر حسین صافی چاپ کرد که تأثیرات خوبی داشت؛ در ایران معکوسیم اول انیمیشن می‌سازیم بعد از روی آن کتاب. باید مقتضیات فرهنگی و جغرافیایی را با هم در نظر بگیریم.

وضعیت کمیک استریپ در کشورهای همسایه چگونه است؟

ترکیه فعال است و به‌زودی فیلم‌های سینمایی بلند انیمیشن اکران می‌کند که نشان از رشد آن دارد، در این عرصه به خارجی‌ها کار نمی‌دهند، همه نیروها بومی هستند. در امارات استودیوهای بین‌المللی در حال ساخت است؛ آنجا مجله‌ای را دیدم که قهرمان آن شخصیت اسلامی و محجبه بود البته همه طراحان امریکایی بودند. در هند هم شبکه‌های بزرگ مثل پیکسال پایگاه‌های بزرگی تأسیس کرده‌اند که باعث رشد انیمیشن شده. سیاست حمایتی اقتصادی آنجا، منطقه آزادی را ایجاد کرده تا برای کار کردن بروند حتی بازار فروش اینترنتی امریکا در هند است.

آیا در کمیک‌استریپ هم مانند سینما، نگاه فمینیستی حاکم است؟

بله اما شخصیت‌های محبوبی نیستند. تساوی حقوق بیشتر یک ژست تبلیغاتی یا فرهنگی است، در امریکا این حقوق ساختگی است. آمارها نشان می‌دهد قهرمانان زن چندان دلچسب نبوده‌اند و محوریت داستان نشده‌اند، بیشتر جنبه سیاسی و تبلیغاتی داشته است.

«خاطرات یک لباس شخصی» به چاپ سوم رسید

کتاب «خاطرات یک لباس شخصی» از حوادث فتنه سال ۸۸ به چاپ سوم رسید.

نویسنده در مقدمه اثر خود در بیان انگیزه‌اش از نگارش این کتاب می‌نویسد: فقط و فقط این چند صفحه را نوشتم که به نسل اولی‌ها که «همه‌شان حکم پدری برای ما دارند» بگویم ما هستیم. شاید مثل شما نباشیم و هزار و یک ایراد داشته باشیم، ولی آخرالامر هستیم، هستیم و خواهیم ایستاد، به هر قیمتی که شده خواهیم ایستاد. فتنه ۸۸ هنوز ناگفته‌های زیادی دارد و از منظرهای متفاوتی می‌توان به آن نگریست؛ تاثیر آن بر امنیت ملی، تاثیر بر جایگاه بین‌المللی جمهوری اسلامی، نقش نیروهای اجتماعی و... اما آن نگاهی که کمتر به آن توجه شده است، دیدگاه افرادی است که در متن حوادث و اتفاقات سال ۸۸ بوده‌اند و از نزدیک شاهد عینی این ماجرا بوده‌اند. کتاب «خاطرات یک لباس شخصی» در تلاش است از منظر فردی که بر اساس احساس تکلیف و وظیفه به خاموش کردن آتش فتنه کمک کرده است، مهم‌ترین روزهای فتنه را روایت کند و به آن روزهای پرالتهاب بنگرد. این کتاب کم حجم و کوتاه دارای ۹ روایت کوتاه و خواندنی است که از روز شنبه ۲۳ خرداد آغاز و در روز شنبه ۳۰ خرداد به پایان می‌رسد. نویسنده کتاب در نخستین روایت خود(روز ۲۳ خرداد) سوار بر یک موتور و به همراه یکی از دوستان بسیجی خود وارد خیابان‌های مرکزی شهر تهران می‌شود و از آغاز التهابات و گمانه‌زنی‌ها در رابطه با نتیجه انتخابات ریاست جمهوری می‌گوید. نویسنده در ادامه کتاب به جزئیات حوادث آن بازه زمانی می‌پردازد و از آشوب‌های خیابانی و تجمعات جوانان سبز تا نماز جمعه رهبر معظم انقلاب اسلامی و شنبه پس از نماز جمعه (۳۰ خرداد) را با ذکر جزئیات خاطرات خود بیان می‌دارد. این کتاب توسط انتشارات بسیج دانشگاه امام صادق(ع) و در قطع پالتویی چاپ شده و در سال ۹۱ برای اولین بار به عنوان ضمیمه ماهنامه حیات منتشر شده است. قیمت این اثر ۲۵۰۰ تومان است و علاقه‌مندان می‌توانند برای تهیهٔ این کتاب با شماره ۶۶۴۸۶۰۸۴-۰۲۱ تماس حاصل فرمایند.

سونی تصمیمش را گرفت

اکران «مصاحبه» در کریسمس

بعد از جنجال‌های اخیر و دستور مستقیم اوباما، سونی تصمیم گرفت «مصاحبه» را اکران کند.

داستان اکران فیلم «مصاحبه» شاید یکی از هالیوودی‌ترین داستان‌های سینمای امریکا باشد. اما این ماجرا بعد از گذشت تقریباً یک ماه از آغازش، روندی فرسایشی به خودش گرفته. چندی پیش کمپانی سونی در بیانیه‌ای اعلام کرد به دلیل همکاری نکردن سینماها چاره‌ای جز اکران نکردن کمدی جدید ست روگن ندارد. اما باراک اوباما که اصلاً از این تصمیم سونی خوشش نیامده بود، در آخرین جلسه مطبوعاتی سال ۲۰۱۴ خود به تصمیم مدیران سونی تاخت. البته مدیران سونی جواب وی را دادند اما بالاخره ترجیح دادند با همکاری چند سالن سینمای مستقل به صورت محدود فیلم‌شان را اکران کنند، آن هم در روز کریسمس. از زمانی که این خبر اعلام شده، بازیگران این فیلم و مدیران سونی، اکران «مصاحبه» را پیروزی آزادی بیان دانسته‌اند. نکته جالب این است که محافظان صلح هنوز به این تصمیم عکس‌العمل نشان نداده‌اند. آنها پیش از این اعلام کرده بودند که ممکن است واقعه‌ای شبیه یازده سپتامبر را در خاک امریکا پیاده کنند. چیزی که موضوع اکران فیلم جدید ست روگن را تبدیل به یک مسئله امنیت ملی کرد. البته الان امریکایی‌ها در موقعیتی نیستند که بخواهند تهدیدها را دست کم بگیرند؛ چرا که آنها یک بار این اشتباه را انجام دادند و کمپانی سونی تا مرز ۱۰۰ میلیون دلار ضرر در بورس نیویورک رسید. به هر حال باید صبور بود و دید در صورت اکران مصاحبه، چه اتفاقی خواهد افتاد. آیا محافظان صلح توانایی اعمال خشونت بیشتر را دارند یا دیگر به مرحله‌ای رسیده‌اند که چاره‌ای جز بلوف‌زنی ندارند. «مصاحبه» جدیدترین کمدی ست روگن است که با همکاری ایوان گولدبرگ ساخته شده و خود روگن با همکاری جیمز فرانکو در آن بازی می‌کنند. این فیلم داستان دو خبرنگار را روایت می‌کند که می‌خواهند برای ترور رهبر کره شمالی به پیونگ‌یانگ بروند.